

فلسفه ی رازی؛ اعتدال زهد و لذت



محمد بن زکریای رازی پزشک، فیلسوف و شیمیدان ایرانی که در زبان لاتین به رازس (Rhazes) شهره است از جمله حکمای دوره اول جنبش نوزایی فرهنگ ایران در بستر تمدن اسلامی بود. وی علاوه بر نوآوری هایی در علم پزشکی، شیمی و فلسفه مبنای ارزشمندی از روانشناسی اخلاق را بنیان نهاد.

محمد بن زکریای رازی پزشک، فیلسوف و شیمیدان ایرانی که در زبان لاتین به رازس (Rhazes) شهره است از جمله حکمای دوره اول جنبش نوزایی فرهنگ ایران در بستر تمدن اسلامی بود. وی علاوه بر نوآوری هایی در علم پزشکی، شیمی و فلسفه مبان، ارزشمندی، از روانشناسی، اخلاق، انسان، نماذ حکیم زکریای رازی حدود قرن دهم میلادی مطابق با 251 ه. ق در شهر ری نزدیک تهران به دنیا آمد. وی در ری و بغداد رئیس بیمارستان بود. او از لحاظ خلق و خو بسیار گشاده روی و با بیماران و نیازمندان مهربان و دستگیر بود. ابوریحان بیرونی و ابن ندیم حدود 184 تألیف برای وی برشمرده اند که حدود هشتاد عنوان آن ها شامل کتاب های فلسفی است.

رازی خود را از شاگردان جابر بن حیان می دانست بسیاری از عناوین نوشته های کیمیایی او نیز شبیه عناوین مجموعه ی جابری است. رازی به جالینوس بسیار علاقه داشت تا جائیکه به نگارش کتابشناسی جالینوس همت گماشت زیرا توصیه ی جالینوس مبنی بر اینکه پزشک باید فیلسوف باشد وی را در سیر مطالعه و علم آموزی بسیار تحت تأثیر قرار داده بود.

سواى احاطه ی علمى حکیم زکریای رازی در علومى نظیر شیمی و پزشکی، از مهم ترین محورهای فکری وی مباحث مطرح در دانش اخلاق و روانشناسی بود. آثار وی نشان می دهند که گرایش او به فلسفه ی افلاطون بیش از گرایشش به آراء ارسطو بوده است. در خصوص مبنای جهان شناسانه، آراء وی شباهت و نزدیکی بسیاری به اندیشه های اپیکوریان دارد. اندیشه های اپیکوری که با عنوان 'مذهب اصالت لذت' از آن یاد می شود یک فلسفه ی پیچیده ی اخلاقی است؛ مطابق نظر ایشان انگیزه ی تمام اعمال آگاهانه جستجوی لذت است خواه یک فرد گوشه گیر و منزوی باشد، خواه طالب شهرت در هر دو حال عمل وی لذت جویانه است و لذت تنها چیزی است که ارزش ذاتی دارد. این فلسفه شامل دو بخش لذت انگاری اخلاقی و لذت انگاری روانشناسی است که تبیین آنها موضوع این نوشتار نیست.

اخلاق نزد رازی، نظیر جهان شناسی او از مبنای اپیکوری تأثیر گرفته است. او در علم اخلاق به نتیجه ای می رسد که می توان آن را معادل نوعی 'لذت گرایی زاهدانه ی معتدل' دانست؛ رازی می گوید فهم درست لذت ما را به درجه ای از آگاهی و معرفت می رساند که بفهمیم امنیت خاطر و زندگی مطمئن نتیجه ی سازگار کردن متعادل امیال با نیازهای طبیعی است.

به زعم وی زندگی عیاش مآبانه مسیری است که هرگز به بهبود منتهی نمی شود بلکه بر عکس در آن نوع زندگی همواره از خوشی و طعم لذت کاسته می شود؛ او در این باره می نویسد: این را باید بدانی آنان که مدام به شهوات خود تمکین نموده و در آنها غرق می شوند به مرحله ای می رسند که دیگر از آنها لذتی نمی برند و با این وصف از ترک آنها عاجزند. مثلاً با اینکه آمیزش با زنان و باده گساری و سماع از نیرومندترین و استوارترین شهوات هاست، کسانی که دچار آنهایند کمتر از مردمانی که افراط کار نیستند لذت می برند زیرا این شهوات برای آنها نظیر هر حالی دیگر صرفاً به حالاتی از نفس بدل شده اند یعنی به صورت عادت در آمده اند با این وصف سرکوبی آنها از توان معتادان به آن امور خارج است زیرا برای آنها شهوات امری ضروری شده و از صورت لذت و تجمل بیرون آمده است.

در فلسفه ی اخلاق رازی مسأله لذت و رنج اهمیت زیادی دارد از همین رو وی کتابی مستقل در باب لذت نوشت و در آن لذت را نوعی آرامش تعریف کرد. در دید او همه ی لذات مستلزم یک درد قبلی یا به طور دقیق تر مستلزم نوعی اختلال هستند. رازی آشکارا به یکی از استدلال های افلاطون درباره ی لذت اشاره می کند که هر اندازه میل بزرگ تر باشد اشباع آن دشوار تر است، اما از آنجاکه رازی همه ی آلام و لذات را خروج از حالت طبیعی و سپس بازگشت به آن می داند لذا الگوی اپیکوری را برمی گزیند.

رازی مناسب ترین وضعیت لذت را نه در نوسان احساسات بلکه در یک زندگی معتدل می دید یعنی بدون اینکه نیازهای طبیعی از حالت اعتدال خارج شوند برآورده گردند. رازی به جای آنکه مانند ارسطو از تشریح های موشکافانه برای بیان فضائل استفاده کند به تشریح و تفصیل عیوب انسانی می پرداخت و اظهار می داشت که افراط در غذا یا نوشیدنی، فعالیت جنسی، یا حتی موسیقی مضر است؛ اما با اینحال استدلال های فیلسوفانی همچون ابن میمون که به طور کلی این امور را نفی می کردند را هم قبول نداشت. به عنوان مثال وی معتقد بود غضب یا خشم در حالت طبیعی وظیفه ی حفظ و صیانت از ذات را بر عهده دارند و چنانچه غضب به افراط بیانجامد موجب تخریب ذات می شود لذا باید از غضب افراطی پرهیز نمود؛ یکی از نمونه های دیگر بحثی است که رازی راجع به دروغگویی مطرح می کند؛ از دید وی دروغگویی از آن جهت که فرد دروغگو هرگز مورد اعتماد قرار نخواهد گرفت مردود است چون این عدم اعتماد از سوی مردم امنیت خاطر فرد دروغگو را سلب کرده و وی را دچار نوعی تشویش و ناآرامی می کند که با طبیعت انسان همخوانی ندارد. با این وصف می توان گفت اعتدال در اندیشه ی رازی از نوع روانشناسانه است و با اعتدال ارسطویی که بر پایه ی اقتضائات عقلی بنا شده تفاوت دارد.

استاد مهدی محقق در 'فیلسوف ری' می نویسد: رازی بیش از هر فیلسوف اخلاقی مسلمان دیگر از لغت هوی (خواهش

نفسانی) استفاده می کند. و از نیاز به مجاهده ی با آن ، سرکوب کردن ، بازداشتن و مهار کردن آن سخن می گوید. اخلاق رازی همیشه مصلحت آمیز است . رازی معتقد است عقل ما را به سوی زندگی خوب رهنمون می سازد اما با اینحال جاهایی که معترف به عقل گرایی افراطی خود می شود در تبعیت از پند جالینوس متواضعانه اعلام می کند که ما با انتقاد دشمنان می توانیم به عیوب خود پی ببریم. در این خصوص لین ای گودمن، در مقاله ی محققانه اش درباره ی رازی می نویسد: در اینگونه موارد ، لذت نزد رازی قاضی عقل می شود نه دلیل لذت.

رازی تأثیر پذیری چشمگیری از جالینوس و کندی (اولین فیلسوف مسلمان) داشت. وی سخت می کوشید که دستور کندی را در رابطه با از بین بردن غم و اضطراب و افسردگی به کار بندد؛ مثلاً معتقد بود انسان طوری باید زندگی کند که بتواند تمام انسان های مورد علاقه اش را از پیش از دست رفته تلقی کند و باور داشته باشد که مرگ، آدمی را به جایی بهتر منتقل می کند. بر همین اساس رازی بر این عقیده بود که تمام ناراحتی ها و افسردگی ها و حتی گناهان انسان ناشی از امیالی است که فکر ما را دائم به خود مشغول می دارند و این اشتغال دائم ذهنی ، ناشی از ترس از مرگ است و تنها تجربه ی لذت - با رعایت اعتدال - است که می تواند این ترس را از وجود آدمی بردارد.

از دیگر نکات برجسته ای که همواره در تبیین آراء و اندیشه های رازی ذکر می شود، ردّ و انکار وی از مسئله ی نبوت است . موضوعی که گفته می شود او در دو تا از کتاب هایش به تحلیل و بیان این دیدگاه پرداخته است: یکی کتاب 'فی النبوات' و دیگری کتاب 'فی حیل المتنبئین' یعنی در باب فریب های کسانی که ادعای نبوت دارند. بسیاری از صاحب نظران بر این باورند که این آثار منسوب به رازی هستند و توسط دشمنان وی تنظیم شده اند چرا که اظهارات رازی درباره ی خالق جهان و حیات پس از مرگ نزدیک به عقاید شیعه ی امامیه بوده است .

شهید مرتضی مطهری ، استاد فقید فلسفه و الهیات دانشگاه تهران، در اینباره می نویسد : از مجموع قرائن می توان به دست آورد که رازی منکر نبوات نبوده و با منتبئین یعنی مدعیان دروغ نبوت در ستیزه بوده است . مباحثات رازی با ابوحاتم اسماعیلی در منزل یکی از بزرگان ری و در حضور اکابر و بزرگان شهر محال است که در زمینه ی ابطال نبوات باشد و رازی صریحاً و علناً نبوت را تکذیب کند و همه ی مذاهب را باطل بداند و در نهایت احترام هم زیست نماید... ابن ابی صبیعه ضمن اینکه نسبت چنین کتاب هایی را به رازی انکار می کند احتمال می دهد برخی اشعار این کتاب را ساخته و از روی دشمنی به رازی نسبت داده اند . به علاوه رازی سخت پایبند به توحید و معاد و اصالت و بقاء روح است. او کتابی دارد به عنوان الإمام و المأموم المحققین که نشان می دهد اندیشه ی امامت فکر او را مشغول می داشته است و بدیهی است کسی که منکر شریع و نبوت باشد درباره ی امامت حساسیتی نخواهد داشت.

شهید مطهری در ادامه ی این بحث می گوید: رازی دو دسته مخالف داشته است : مخالفانی که بر آراء فلسفی او رد نوشته اند مانند فارابی و شهید بلخی و ابن هیثم و بعضی دیگر ، و مخالفانی که بر آراء مذهبی او رد نوشته اند. تنها این گروه که همان اسماعیلیان اند و تاریخ ، خود آنها را 'ملاحده' (کافران) می خواند به رازی در تاریخ چهره ی الحاد داده اند زیرا رازی تا حدی تفکر شیعی امامی داشته است و همه ی متفکرانی که اینگونه طرز تفکر داشته اند از طرف دشمنان شیعه ی امامیه به کفر و زندقه متهم می شدند.

رازی در علم پزشکی ، کیمیا و شیمی از سرآمدان دانشمندان و نوابغ بشر است. وی اولین کسی است که علم کیمیا را از شیمی متمایز کرد و به بالاترین کشف عصر خود یعنی 'الکل' دست یافت. حجّیت او در طب پس از ابن سینا در درجه ی دوم بوده ولی در قدرت مشاهده بر ابن سینا برتری داشته است. رازی چند کتاب مهم و اثر جاوید در علم پزشکی نگاشت : یکی کتاب 'الطب المنصوری' که آن را به حاکم سامانی شهر ری اهدا کرد ترجمه ی لاتین این کتاب در قرن دوازدهم میلادی تکیه گاه اصلی در تعلیم پزشکی شد، دیگری کتاب 'الطب الملوکی' یا پزشکی شاهانه که آن را به علی بن وهسودان از اهالی طبرستان اهدا کرد، شناخته شده ترین کتاب رازی در پزشکی کتاب 'الحاوی' است که گفته می شود به قصد انتشار آن را نوشته است ؛ الحاوی شامل یادداشت های خصوصی و روزانه ی رازی در علم پزشکی است که گفته می شود ابن عمید وزیر رکن الدوله دیلمی در قرن پنجم ه. ق آن یادداشت ها را از خواهر رازی خرید و شاگردان رازی را مأمور به ویرایش آنها کرد که مشتمل بر حدود بیست و پنج جلد شدند. رازی اولین کسی بود که فرق بیماری آبله از سرخک را تشخیص داد. نوشته های پزشکی وی مشتمل بر موضوعاتی درباره ی تغذیه و درمان، فلج ، ورم مفاصل، قند، قولنج و نفرس، تشریح کبد ، چشم ، بیضه ها ، گوش و قلب و نیز مطالعه ای دقیق درباره ی اتساع مردمک چشم بود.

حکیم محمد بن زکریای (صیرفی) رازی که قرن نهم میلادی (سوم هجری) به افتخار وی 'عصر رازی' نام گرفته است و به گفته ی جُرّج سارتن پدر تاریخ علم ، بزرگ ترین پزشک ایران و جهان اسلام در زمان قرون وسطی بود، سرانجام در سن شصت و دو سالگی در سال 313 ه.ق دیده از جهان فروبست.

* گروه اندیشه

منابع :

فیلسوف ری، مهدی محقق، نشر انجمن آثار و مفاخر فرهنگی

تاریخ فلسفه ی اسلامی، زیر نظر سید حسین نصر و الیور لیمن، انتشارات حکمت
کلیات فلسفه ، ریچارد پاپکین، ترجمه ی جلال الدین مجتبوی، همان
مجموعه آثار شهید مطهری، جلد 14، انتشارات صدرا